بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا ونبینا العبد المؤید والرسول المسدد المصطفی الامجد ابی القاسم محمد وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین ولعنه الله علی اعدائهم وظالمیهم وقاتلیهم الی قیام یوم الدین.

قال الله تبارک وتعالی فی محکم کتابه الشریف:

ویقول الذین کفروا لست مرسلا قل کفی بالله شهیدا بینی وبینکم ومن عنده علم الکتاب.

السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیک منی جمیعا سلام الله ابدا مابقیت وبقیت اللیل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منا لزیارتکم السلام علی الحسین وعلی بن الحسین وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین.

شب تاسوعای حسینی شب توسل به قمر بنی هاشم باب الحوائج آقا ابالفضل بن امیرالمومنین است. خدارا به دودست بریده قمر بنی هاشم قسم می دهم، جلسه مارا مورد توجه خاصه آقا امام زمان قرار بدهد.

خداوند متعال را به عظمت روح پر فتوح ابالفضل العباس، به عظمت مقام شامخ شهدای کربلا قسم می دهم ما را از شفاعتشان درهمه حال بهره مند بفرماید.

حاجات حاضرین دراین جلسه، متوسلین به این مجلس، خدمت گزاران به این هئیت، بانیان مجلس، مشارکت کنندگان به این مسجد را، وهمه عزیزان حاضر دراین جلسه را الساعه برآورده بفرماید.

و در راس حاجات ما نصرت اسلام،نصرت قرآن، نصرت مردم مظلوم فلسطین وغزه، فرج آقا امام زمانمان را الساعه اجابت بفرماید یک صلوات دیگر ختم بفرمایید.

بحث ما درباره انسان شناسی ولایی قرآن کریم است. هر شب ما آخر بحث به یک قله هایی می رسیم که باید اول جلسه بعد تخفیفش بدهیم، آسان ترش کنیم. طبیعت بحث ما اینطوری است. ما هرشب بحث را به یک جایی می رسانیم که همه به فکر بروند تا ان شاء الله فردا شبش بتوانیم استفاده کنیم.

بحث به اینجا رسید که بسیاری از مطالب عالی وشامخ شیعی مثل مساله بداء، یک چیزی عوض بشود مقدر بشود، کسی بمیرد نمیرد، مساله شفاعت یعنی واسطه رحمت الهی، مساله ختم نبوت که چه فرقی بین انبیاء هست، که چرا پیغمبری خاتم انبیاء است یک پیغمبری خاتم انبیاء نیست. فرق نبوت وامامت. فرق هدایت امام وهدایت نبی قرآن. این مسائل راعرض کردم.

جلسات قبل ما از آیات قرآن اجمالش را بیان کردیم اما فرق محتوایی اینها وخیلی مطالب دیگر رادراین رابطه وقتی انسان می تواند خیلی خوب درک بکند که بفهمد واقعا فرق پیغمبر اکرم با حضرت عیسی بن مریم درچیست؟ فرق عیسی بن مریم وموسی بن عمران درچیست؟ فرق های خود انبیاء، فرق های انبیاء امام وانبیاء غیر امام واثبات امامت برای غیر انبیاء درچیست؟این فرق ها وقتی خوب روشن می شود که ما مسئله انسان شناسی ولایی را، انسان را و ولایت را در منظر قرآن کریم آشنا بشویم. انسان چگونه موجودی است؟ وضع انسان چطور است ؟ خدا یک موجودی خلق کرده که عریض است .از این پایینِ پایین را می گیرد تا آن بالای بالارا. انسان یک موجودی است که در یک مرحله استادهمه است. در یک مرحله اگر خیلی بالا بیاد شاگردِ فرشته هاست. بعضی وقتها شاگرد فرشته های کوچک است، بعضی وقت هاشاگرد فرشته های بزرگ مثل جبرئیل است. گاهی وقتها در ارتباط بافرشته های کوچک است، گاهی وقتها در ارتباط با فرشته های بزرگ است. گاهی وقتها روحش در تقدیر اعوان وانصار عزرائیل می رود، گاهی وقتها روحش را تحویل خود عزرائیل می دهد. گاهی وقتها عزرائیل هم حریف نمی شود، باید بالاتر از عزرائیل اورا تحویل بگیرند، توفی کنند، دریافتش کنند. انسان یک موجود اینطوری است.

ما داریم مساله انسان را از منظر قرآن کریم بررسی می کنیم .گفتیم این انسان را در منظر آیات قرآن خوب بررسی کنیم و خوب به دستمان بیاید که انسان چیست؟ کیست؟ (البته همه بحث های مربوط به انسان الان قابل بررسی نیست. اینجا من بیشتر ازحیث امامت وولایت ومهدویت وشفاعت بررسی می کنم والا مساله انسان خیلی بحث دارد). آن آیه شریفه ای که «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین»آن احسن تقویم واین اسفل سافلین یک فاصله خیلی عجیب هستند. انسان این مجموعه را دارد. انسان یک عرض بسیار عریض و موجود بسیار عجیبی است. حالا ما یک بخشی از انسان را داریم می گوییم. بخش های دیگرش ان شاء الله بماند سرجای خودش در مساله معاد.

دیشب بحث ما به اینجا رسید که وجود انسان یک افقی دارد،که در آن افق یک حائلی و واسطه ای بین او وذات حق وجود ندارد. در آن افق که امیر المومنین در دعای کمیل فرمودند: والشاهد لما خفی عنهم آن شاهد، هر آن چیزی است که از فرشته ها مخفی است. او شاهد است. آنجا انسان است والله جل جلاله. این مراتب متعدد وجود انسان را که می گوییم،بعضی جاهایش آنجاست. هیچ کسی دیگر نمی فهمد جریان چیست؟ الا خود خدا. فرشته ها نمی فهمند. کم می آورند. نمی فهمند، درک نمی کنند. وعرض کردیم این آیه شریفه «انا عرضنا الامانه علی السماوات والارض» ما امانت را بر آسمان وزمین عرضه کردیم «فابین ان یحملنها» ابا کردنداز اینکه این امانت را حمل کنند. این امانت را خدا به کسی غیر انسان نمی دهد.سوالی میشود مبنی بر اینکه اگر فرشته نتوانسته است که بارش را بلند بکند چطور فرشته آنرا آورده و به انسان داده است؟ اگر قرآن فرموده وحملها الانسان انسان حملش کرده. خب چطور انسان حملش کرده؟ ما بگوییم انسان شاگرد فرشته هاست. اگر فرشته ها حملش کردند توانستند بگیرند به دیگران بدهند. چطورنمی توانند بلندش کنند؟. اگر بار چنین امانتی را نتوانست فرشته بلند بکند،چطور توانست به انسان تحویل بدهد؟ فرشته اول باید بتواند این بار را بلند بکند،اگر توانست بلند بکند،بیاورد و به دست مردم بدهد. ابا کردن از حملش واشفقن منها خائف شدند، نگران شدند وحملها الانسان انسان این امانت را بلند کرده. به تعبیر بسیار زیبای علامه طباطبائی این امانت که امانت ولایت وتوحید است، این امانت بارش بر دوش من انسان است. من گرفتم نه جبرئیل. من گرفتم. منِ انسان، نه فرشته، نه هیچ موجود دیگری. هیچ موجود دیگری بار چنین امانتی را اصلا نمی تواند به دوش بگیرد که بیاید تحویل ما بدهد.

اگر برای انسان یک افقی تعریف کردیم که در آن افق اوست وذات حق، استاد خداست، شاگرد انسان، این بار وامانت را گذاشته سر دوش انسان، ودیگر کسی در کار نیست. اگر این را کسی خوب یاد بگیرد، می فهمد زیارت جامعه راکه فرموده:« بکم فتح الله» آغاز باشماست .این مطلب واضح می شود.اگر آن افق درست تصویر شد،روشن میشود که این واسطه ها پایین تر از انسان هستند نه بالاتر از انسان.آنموقع اگر بالاتر از انسان هستند بکم فتح الله معنی ندارد.اگر من گفتم بالاتر از انسان یک موجودی است و بعدازآن موجود ذات مقدس پروردگار، دیگر نمی شود بگوید بکم فتح الله خدا با شما آغاز کرده است. اگر گفتم نه! انسان ،اول، خودش است، آن موقع که پیغمبر گفته :«اول ما خلق الله نوری» معلوم می شود.

آن موقع معلوم می شود که پیغمبر فرمود «کنت نبیا» من پیغمبربودم اما حضرت آدم بین آب وگل بود. بله! همین طور است. می خواهیم این را اول درست کنیم، این را اول یاد بگیریم، اول باقرآن یاد بگیریم، بعد اگر کسی استدلال هم خواست، ان شاءالله درکلاس استدلالات عقلی هم دارد.ما اسم این را می گذاریم انسان شناسی قرآنی.

حالا این مطلب را ازآیات درآوردیم که ما یک ام الکتاب و لوح محفوظ داریم ، یک لوح محو واثبات داریم. بعضیها به لوح محفوظ وصلند که ام الکتاب است. بعضی هابه مراحل پایین وصلند.آن کسی که به لوح محفوظ و ام الکتاب وصل است نبی اکرم است. پیامبر اعظم محمد مصطفی وصل به آن «انه فی ام الکتاب لدینا» است. قرآن در ام الکتاب پیش ماست. پیش کس دیگری نیست. پیغمبر به آنجا وصل است . لذا فرمود «انک لتلقی القران من لدن حکیم خبیر» پیغمبر! توقرآن را از ما می گیری نه از جبرئیل.تواین باررااز ما گرفتی به دیگران دادی.لذا حضرت امام خمینی می فرمود: عرفان بدون شرع باطل است. می دانی چرا باطل است. دلیلش همان است که عرض می کنم. هرکس هر عددی آورد، هرسحری، هر جادویی، هر ذکری، هر وردی و خلافِ رسالت بود، بدانید دروغ می گوید. می دانید چرا، چون فعل پیغمبر شرع است. چونکه پیغمبر گرفته است و به بقیه داده، بقیه اش کلک است. هیچ اصلی ندارد.خدا بیامرزد حضرت امام را.ایشان در سر الصلاه دارد که می فرمود: این صوفیه خذلهم الله،این آقایانی که اینطوری ادا در می آورند، ابدا ما از این حرف ها نداریم. ما عرفان هندی و عرفانِ فلان نمی دانیم، ازاین کشکی هاهیچ خبری نیست. همه اش رسالت است. چرا؟ دلیلش چه است؟ دلیلش این است که چون پیامبروصل شده و او گرفته است، او که گرفته است،طبق همان به ماداده است نمازش این طوری است، ماباید اینطور نماز بخوانیم و... . سلوک،سیر مسیری است که پیغمبرباز کرده است. فقط این مهم است. ما راه را داریم برهمه می بندیم. فقط رساله شرعی، فقط وفقط شرع اطهر، احکام نورانی خدااز فعل پیغمبر است.«ما اتاکم الرسول فخذوه» چیزی را که پیغمبر دادآن رابگیرید. چرا؟ چون اووصل است .او راه را باز کرده است. تا بعد ان شاء الله به مهدویت می رسم. برایتان آن مقامات را می گویم. فقط اولش باید درست دربیاید.پس ما یک انسان شناسی ولایی داشته باشیم، متوجه شویم مراتب آفرینش چگونه است، متوجه شویم «بکم فتح الله بکم یختم« از شما(ائمه) شروع شد به شما(ائمه) ختم شد.و حلقه شمایید. فعلاهم به پیغمبر اکرم می پردازیم تا بعد بقیه را درست کنیم. لذا چقدر قشنگ می گویند؛ می گویند: خاتم کیست؟ من ختم المراتب باسرها. خاتَم(به فتح تاء) یعنی انگشتر. به پیغمبر می گویند خاتَم. خاتِم (به کسرتاء)هم اشکال ندارداسم فاعل است. خاتَم ما یختم به انگشتر است. قبلا مهر روی انگشتر ها بود. نامه را مهر می کردند. می بستند. این خاتِم است. یعنی تمام کننده است، پایان بخش است. حال چراپیغمبر خاتِم است؟ چون اول است وآخر است. حالا این را برایتان ازآیه درمی آورم.چون اول است و همه را رفته است، هرچه می گوید قضیه تمام است.

لذا دیروز عرض کردم امام صادق علیه السلام در آن روایت زیبا که در اصول کافی شریف جلد 1 در کتاب توحید از کلینی از محمد بن یحیی عن احمدبن محمد عن حسین بن سعید عن نصربن سوید عن عاصم بن خویلد نقل می کند که سئل علی بن الحسین عن التوحید به امام سجاد گفته شدتوحید یعنی چه؟ فقال: امام سجادفرمود: (ان الله عزوجل علم ان سیکون فی آخر الزمان اقوام متعمقون )خدا می دانست آخرالزمان یک عده آدم اهل تامل می آیند فانزل قل هو الله احد.

خدا امام خمینی را بیامرزد. نشد که ایشان این سوره توحید را تفسیر بکند.امام در دو کتابش سوره توحید را تفسیر کرده است. (والآیات من سوره حدید الی قوله وهو علیم بذات الصدور) .این ها را خدا برای آخرالزمانی ها نازل کرده. علیم بذات الصدور یعنی کجا؟ این خیلی مهم است. سوره حدید از آن سوره هایی است که خیلی ها سفارش می کنند که این مسبحات را بخوانید. سوره حدید خیلی سوره عجیبی است . شش آیه اولش مثل آیات آخر سوره حشر، این ها آیات توحید است. (تفسیر بعضی از ریزه کاریهایش را برای آخر بحثم می خواهم بدهم. الان دیگر آیاتی که با آن ها کاردارم را میخوانم ).«سبح لله ما فی السماوات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم له ملک السماوات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شئ قدیر هو الاول وهوالاخر وهو الظاهر وهو الباطن وهو بکل شی علیم» خدا اول است وآخر. خلیفه ی خدا اول است وآخر. این یعنی هر کسی می خواهد زیارت جامعه معنا بکند باید باخدا بفهمد. یعنی چه بکم فتح بکم یختم؟ چون اواول است وآخر شما هم اول هستید وآخر. منتها شما عبد هستید آن خداست.( افتخار شیعه است این حرف ها. هرکس نفهمیده خدا شناس نیست.)«هو الاول هو الاخر هو الظاهر هو الباطن هو الذی خلق السماوات والارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها» هر چی می آید، هرچی می رود، همه اش باشماست «هو معکم اینما کنتم» . دیشب برایتان گفتم «اشهدهم علی انفسهم» بعد سوال کرد «الست بربکم قالوا بلی» قرآن این طور کتابی است.« هو معکم» شرح را بعد می گویم. فعلا آدرس هایش را داریم می گوییم «والله بما تعملون بصیر له ملک السماوات والارض والی الله ترجع الامور» همه اینها را می گوید دوباره می گوید: «له ملک السماوات والارض» حصر، در ادبیات تقدیم ما حقه التاخیر است.همه اش مال اوست. بعدا متوجه میشوید که هرکس در آن بحث ها مشکل دارد،شرک دارد،گرفتار است، نفهمیده است که خدا شناسی یعنی چه؟ اول انسان شناسی اش را بگوییم تادرست بشود.«والی الله ترجع الامور یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهوعلیم بذات الصدور» امام سجاد فرمود: آخرِهمین آیه «وهو علیم بذات الصدور» .علامه طباطبائی می گویند:صدر یک چیز است و ذات صدر یک چیز دیگر است. خدا به صدر آشنا نیست به ذات صدر آشناست. لذا خدا بیامرزد شهید مطهری را درذیل این آیه می فرمود:خداوند علم به سر واخفاء دارد. حال سر چیست؟ اخفاء چیست؟

توحید را اول باید درست کنیم خلافت انسان را سراین بحث توحید پیاده کنیم تا انسان ولایی قرآن را بشناسیم. اگر انسان را در افق ولایت وتوحید خوب شناختیم...